

## بررسی و نقد کتاب «فی تاریخ الادب العباسی؛ الرؤیة و الفن»

ابوالحسن امین مقدسی\*  
موسی بیات\*\* عبدالوحد نویدی\*\*\*

### چکیده

کتاب دانشگاهی امروزه در کنار سایر ارکان آموزش به عنوان ابزاری مهم برای آموزش به دانشجویان و آماده سازی آنها جهت ورود به جامعه می باشد. از همین رو نقد کتاب دانشگاهی بر اساس شاخصه های استاندارد زمینه بهره وری هر چه بیشتر از این رکن مهم آموزش عالی را فراهم می سازد. نوشتار حاضر در پی آن است تا کتاب «فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن» نوشته «عز الدین اسماعیل» را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

مهمترین نتایج دست یافته عبارتند از: شاخصه های ظاهری همچون طرح جلد، طراحی صفحه و برجسته سازی در نگارش رعایت نشده است. زبان اثر علمی، شیوا و به دور از ابهام می باشد و قواعد صرف و نحو در آن رعایت شده است. تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و جانبی در کلیت اثر رعایت نشده است. کتاب مورد بحث جامعیت و روزآمدی لازم را ندارد و نتوانسته با کتاب های هم سطح خود ارتباط برقرار کند و نگارش آن بر اساس شاخصه های استاندارد دانشگاهی نمی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** نقد کتاب، تاریخ ادبیات عباسی، عز الدین اسماعیل

---

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. aminmoghaddeci@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. (نویسنده مسؤل) bayatmoosa@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲

## ۱. مقدمه

کتاب از ارکان اصلی نظام آموزش دانشگاهی است و نقش بسیار مهمی در فرایند آموزش دانشجویان دارد. از این رو نقد کتاب دانشگاهی بر اساس شاخصه های استاندارد و شناخت مزایای و معایب آن بسیار ضروری به نظر می رسد. نقد کتاب دانشگاهی فرایندی است که اگر به درستی انجام شود، می تواند هر سه ضلع مثلث نویسنده، انتشارات و دانشجو از آن سود ببرند و در نهایت باعث بالا رفتن سطح نظام آموزش عالی کشور می شود.

بنا به این ضرورت و رسیدن به بهره وری مطلوب در کتاب های درسی دانشگاهی، این نوشتار سعی بر نقد و بررسی کتاب «الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن» نوشته ی «عز الدین إسماعیل» نویسنده مصری دارد. و آن را بر اساس چهار شاخصه مهم: ۱- ارزیابی شکل ظاهری ۲- ارزیابی ساختاری ۳- ارزیابی زبانی ۴- ارزیابی محتوایی مورد بررسی قرار می دهد. از پرسش های مهمی که این نوشتار در پی پاسخگویی به آنها می باشد، عبارتند از: آیا کتاب حاضر شاخصه های استاندارد کتاب دانشگاهی را دارا می باشد؟ و می توان آن را به عنوان سر فصل درسی در ماده تاریخ ادبیات عربی ارائه کرد؟ این کتاب تا چه حد دانشجویان را در امر یادگیری درگیر می سازد و افق های تازه ای را فرا روی آنها باز می کند؟ کتاب مورد بررسی با سایر کتاب های هم سطح خود ارتباط برقرار کرده است؟

## ۲. معرفی کلی اثر

کتاب «فی الادب العباسی الرؤیة و الفن» نوشته ی دکتر عز الدین اسماعیل در موضوع تاریخ ادبیات عباسی و در سال ۱۹۷۵م توسط انتشارات دار النهضة العربیة بیروت به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب بنا به گفته ی خود طرحی نو در بررسی تاریخ ادبیات عباسی در انداخته است. و به جای آنکه تاریخ سیاسی خلفای عباسی را اساسی برای تقسیم بندی قرار دهد، تغییرات اجتماعی را مبنای تحول تاریخ ادبیات قرار می دهد. و بر این اساس کلیتی برای تاریخ ادبیات عباسی قائل است که از ابتدا تا انتهای آن در جریان است و آن کلیت همان (استمرار) حوادث و تغییرات اجتماعی است. کتاب از دو بخش (الرؤیة) و (الفن) تشکیل شده و در بخش (الرؤیة) عناصر مهم تحول فراگیر عصر عباسی مورد توجه قرار می گیرند و ادبیات تولید شده در سایه این تغییرات اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش دوم به ادبیات از لحاظ فنی و به دور از شرایط سیاسی و اجتماعی پرداخته می شود. کتاب در ۴۴۸ صفحه و دو باب آمده است.

### ۳. ارزیابی شکل ظاهری

کتاب درسی دانشگاهی حداقل به مدت یک ترم و یا بیشتر در دسترس چشمی دانشجوی می باشد، بنابراین دقت در طراحی شکل ظاهری آن امری ضروری است. امروزه در کنار محتوی، عوامل دیگری همچون طراحی، گرافیک، رنگ، اندازه و نوع نگارش کلمات، طرح جلد و ... در یادگیری مخاطبان تاثیر بسزایی دارند.

#### ۳-۱. طرح جلد

جلد قسمت نخست از کتاب است که در اولین برخورد چشمی به دید می آید و در حقیقت شناسنامه و معرف محتوی کتاب است. «طرح روی جلد از جمله اولین و مهمترین عوامل تاثیر گذاری اولیه در جذب مخاطب برای خواندن کتاب است و می تواند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب یا دافعه جهت عدم توجه به آن را در بر داشته باشد» (اکبری تبار، ۱۳۹۱: ۱۲۹). کتاب «فی الادب العباسی الرؤیة و الفن»، هر چند به صورت pdf می باشد و اصل آن در اختیار نبوده است، اما هیچ گونه طرحی برای جلد آن استفاده نشده است و تنها عنوان کتاب با فونت عربی (MRT- diwani) در سمت چپ پایین صفحه نوشته شده است. البته نوع فونت تا حدودی به زبان و جغرافیای فرهنگی و تاریخی اثر اشاره می کند. در نسخه حاضر هیچ اطلاعی از طرح پشت جلد و عطف کتاب در دست نیست.

#### ۳-۲. حجم کتاب

حجم کتاب ارتباط مستقیمی با هدف و مخاطبان کتاب دارد. زیرا اگر کتابی قطور برای کودکان نوشته شود، مخاطب از خواندن آن خسته و رهاش می کند، اما همان حجم برای مخاطب بزرگسال خالی از اشکال است. از طرف دیگر، علاوه بر مخاطب در نظر داشتن تعداد واحد های درسی برای یک کتاب دانشگاهی بسیار مهم است و «می توان گفت برای هر واحد درسی میانگین حدود یکصد صفحه مناسب است» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۱). کتاب «فی الادب العباسی الرؤیة و الفن» با حجم ۴۴۸ صفحه اگر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان کارشناسی انتخاب شود، بسیار حجیم و نامناسب است، اما برای دانشجویان کارشناسی ارشد با توجه به ارتقاء مقطع تحصیلی و افزایش دامنه ی مطالعات آنها مناسب می باشد.

از دیگر موارد مهم تناسب میان باب ها و بخش های درونی کتاب است. باب اول کتاب از هفت فصل و باب دوم از سه فصل تشکیل شده است. این ده باب هر کدام به صورت میانگین ۴۰ صفحه را به خود اختصاص داده اند و از این جهت نوعی توازن بین فصل ها برقرار شده است. اما باب اول از هفت فصل و ۳۰۳ صفحه و باب دوم از سه فصل و ۱۳۱ صفحه تشکیل شده است. این تقسیم توازن بین صفحات را به هم زده است. زیرا بنا به ماهیت باب اول مقدمه ای برای ورود به باب دوم می باشد، پس می بایست حجم آن از باب دوم کمتر باشد.

### ۳-۳. صفحه آرایی و حروف نگاری

صفحه آرایی و حروف نگاری نقش مهمی در جذب مخاطب به خواندن کتاب و ایجاد انرژی و نشاط در زمان خواندن دارند، زیرا یادگیری زمانی اتفاق می افتد که حس ها تحریک می شوند و «با استفاده از روش های خاص، مانند کادر، تغییر رنگ، حروف، اندازه حروف، تغییر نوع حروف می توان حس بصری را تحریک کرد و یادگیری از متون درسی را ارتقا داد» (جمالی زواره و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۴). صفحه آرایی نیز شکل و شمایل صفحات کتاب است که خواننده در طول زمان خواندن متن با آن مواجه است. «صفحه آرایی شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیکست با مشورت ویراستار و تامل در فهرست مطالب کتاب و فصل بندی مشخص می کند که در آغاز هر فصل چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است» (انوری و پشت دار، ۱۳۷۷: ۸۲).

در کتاب مورد بحث، فونت عنوان ها (Divani Mazar) و فونت متن اصلی (Traditional Arabic) و همچنین بین هر فصل با فصل دیگر یک صفحه سفید گذاشته است که این امر همراه با اختلاف فونت و اندازه به خواننده کمک می کند تا به راحتی مرز میان فصل ها را یکدیگر تشخیص بدهد و به او انسجام فکری می دهد.

نگارش متن اصلی با فونت و اندازه ی واحد می باشد. این روند در تمام متن به همین شکل است و تغییری نمی کند. نویسنده حتی آیات، احادیث، اشعار و اعلام را با همان فونت اصلی متن وارد می کند و هیچ گونه برجستگی برای این واژگان به وجود نمی آورد. تمامی پاراگراف های متن به اندازه ی یکسانی تورفتگی دارند. در هر صفحه به صورت میانگین ۲۰ سطر وجود دارد، که از جهت تعداد مناسب است. فاصله ی بالا و پایین صفحات و حاشیه سمت صحافی مناسب است، اما سمت مقابل صحافی کم است. زیرا این

قسمت از کتاب به ویژه کتاب دانشگاهی به خاطر حاشیه نویسی دانشجویان در آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

### ۳-۴. زبان متن

هر متنی بسته به مخاطب خود، زبان ویژه ای را می طلبد و نقش این زبان در فهم متن بسیار مهم می باشد. «زبان علمی، زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی، که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آنکه بر سر کلمات و ترکیبات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می شود» (سمیعی، ۱۳۷۸: ۴۴). بنابراین در یک کتاب دانشگاهی که با هدف توضیح و تبیین موضوعی علمی نگاشته می شود، شایسته نیست که از استعاره، کنایه، ابهام و جملات دو پهلو استفاده کنیم، زیرا همه ی اینها مانعی بر سر راه درک معنا از طرف مخاطب می باشد. «رسایی متن دانشگاهی به معنای آن است که محتوی کتاب در عین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه مربوط تهیه و تدوین شود» (کاردان، ۱۳۸۲: ۱۹).

نویسنده از علائم سجاوندی همچون (،)، (؛)، (:)، (...) و ... در نگارش متن به خوبی و به جا استفاده کرده است و در این مورد اشکالی به نظر نمی رسد. جملات پارگراف ها بیشتر به صورت کوتاه می باشند و این امر فهم معنی را برای مخاطب روان می سازد، مثال: «هكذا تصیح الشعوبیة مرة هی القول بالتسویة (أی التسویة بین العرب و غیرهم من الشعوب) و مرة هی التعصّب للعجمیة. و الاختلاف بین المعینین واضح و کبیر. و لسنا نملک أمام هذا الاختلاف إلا أن نقول إن لفظة الشعوبیة کانت تطلق علی کلا الفریقین من الناس ...» (اسماعیل، ۱۹۷۵: ۱۱۰). گاه برای آنکه جملات طولانی نشوند، معنی مورد نظر خود را به صورت تقسیم بندی در جملات کوتاه می آورد تا از اطناب خودداری کند؛ مثال: (اسماعیل، همان: ۱۱۱، ۱۱۰). زبان متن، ساده، شیوا و به دور از ابهام و پیچیدگی می باشد. آنگاه که برای استناد رای خود به متون قدیم ارجاع می دهد و متنی از آنها نقل قول می کند، در پاورقی همان صفحه به توضیح واژگان غریب و مهجور می پردازد؛ مثال: (همان: ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۵، ۱۱۳، ۱۱۴ و...). بکارگیری جملات معترضه کتاب مورد بحث به وضوح دیده می شود و به عنوان مثال در فصل چهارم باب اول که ۲۱ صفحه است، ۲۶ بار از جمله معترضه استفاده کرده است و این امر شیوایی زبان متن را مختل می کند.

#### ۴. ارزیابی ساختاری

ساختار منظم به ویژه در کتاب های دانشگاهی نقش بسیار مهمی در انسجام فکری خواننده، جذب او برای خواندن و یادگیری بهتر دارد. «پژوهش ها نشان می دهند آن دسته از کتابهای درسی که سازماندهی بهتری دارند و یا سازماندهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می سازند، بر میزان فهمیدن، به خاطر سپردن و به کار بستن اطلاعات آموخته شده می افزایند» (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۳).

#### ۴-۱. فصل بندی

عز الدین اسماعیل در مقدمه، کتاب را به دو بخش تقسیم می کند: بخش اول به تغییرات و منازعات اجتماعی و سیاسی در صحنه جامعه و بخش دوم ادبیات را از لحاظ هنری و متأثر از همان شرایط اجتماعی جامعه بررسی می کند. بر اساس این نگرش و هدف، کتاب را به دو باب تقسیم می کند. باب اول هفت فصل و باب دوم سه فصل را در بر دارد. بین باب اول و دوم پیوستگی منطقی وجود دارد، زیرا که نویسنده در این کتاب قصد دارد ادبیات عباسی را متأثر از شرایط اجتماعی جامعه توضیح دهد. بنابراین باب اول را به عنوان مقدمه باب دوم می آورد.

فصول هفتگانه باب اول همگی در چارچوب عنوان باب اول (الادب العباسی فی رحلة العصر) می باشند و هر کدام یکی از وجوه تغییرات اجتماعی این دوره را بیان می کنند. فصول سه گانه باب دوم نیز بر اساس ترتیب منطقی و زمانی بین آنهاست، زیرا تغییرات و تحولات اجتماعی باعث تغییر در جهان فکری و ذوق شاعر و به تبع آن تغییر در موضوعات شعری می شود. در پی تغییر عمیق در دو وجه پیشین، زبان شاعر نیز تغییر پیدا می کند.

#### ۴-۲. اهداف کتاب

نویسنده در مقدمه کتاب هدف خود را چنین بیان می کند: «هدف این است که نگرشی واقعی و هنری از عصر بسیار پیچیده ی عباسی در اختیار دانشجویان گذاشته شود» (اسماعیل، ۱۹۷۵: ۹). اما این هدف به صورت کلی فقط در مقدمه کتاب ذکر می شود و بر خلاف رویه معمول کتاب های دانشگاهی در ابتدای هر فصل اهداف کلی، جزئی و رفتاری آن فصل را ذکر نمی کند. باید توجه داشت که کتاب دانشگاهی در پی آن است که تغییراتی در حوزه های شناختی و رفتاری در مخاطب ایجاد کند و می بایست «رفتار قابل مشاهده

ای که مورد انتظار است، در قالب هدف های رفتاری و شرایط عملکرد آن مشخص شود» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۴). بنابراین مشخص کردن اهداف بسیار ضروری می باشد که کتاب حاضر از آن بی بهره است.

#### ۴-۳. ساختار فصل ها

کتاب دانشگاهی می بایست در آغاز هر فصل مقدمه یا پیشگفتاری برای ورود به بحث داشته باشد، تا اینکه دانشجو با فضای محتوایی فصل جدید آشنا و زمینه ی عاطفی و شناختی در او ایجاد شود.

عز الدین اسماعیل در آغاز هر فصل دور نمایی از موضوع مورد بحث ارائه می دهد تا اینکه مخاطب را وارد فضای بحث کرده و نوعی آمادگی ذهنی برای او ایجاد کند. برای مثال در آغاز فصل چهارم از باب اول با عنوان (صراع الشعوبیه) آیه ای کریمه (یا اَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا) (حجرات/۱۳) را می آورد و اینچنین از همان آغاز مخاطب را وارد بحث می کند. به ویژه آنکه این در ذهن مخاطب با موضوع شعوبی گری پیوند خورده است. (نگاه کنید به: اسماعیل، ۱۹۷۵: ۱۰۷). اما نکته مهم این است که نویسنده این مقدمه را از متن اصلی هر فصل جدا نمی کند، بلکه آن را جزئی از متن می آورد و این امر یک عیب به شمار می رود، زیرا که خواننده قبل از خواندن متن از طریق ارتباط چشمی با متن متوجه آن مقدمه نمی شود.

#### ۴-۴. جمع بندی اطلاعات، تصاویر، نمودارها و فهرست ها

جمع بندی مطالب ارائه شده در یک فصل به خواننده کمک می کند تا متن را به صورت عمیق یاد بگیرد و در صورت نیاز با صرف کمترین وقت، آنها را مرور کند. تصاویر و نمودارها داده های بسیاری را در یک جا و به صورت خلاصه به مخاطب ارائه می دهند. در بسیاری از پژوهش های مصاحبه ای، دانشجویان «ارائه یک مقدمه و خلاصه خوب را در ابتدای فصل لازم دانستند و اظهار داشتند که از تصاویر، نمودارها و جدول ها و نقشه ها مطالب زیادی را یاد می گیرند» (یارمحمدیان، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴).

عز الدین اسماعیل در هیچ جای کتاب- نه در پایان فصل ها و نه در پایان کتاب- به جمع بندی و ارائه خلاصه مطالب نمی پردازد و علاوه بر این در هیچ جای کتاب پرسش هایی از متن کتاب مطرح نمی کند و از نمودار، تصویر و جدول در کتاب بهره نبرده است. این کمبودها عیب بزرگی برای یک کتاب دانشگاهی به شمار می روند.

#### ۴-۵. ارجاع دهی

ارجاعات متن کتاب به صورت پاورقی می باشند و کتاب فاقد کتابنامه است. در حالی که می بایست تمامی کتاب های مورد استفاده متن، در پایان به صورت کتابنامه ارائه شوند تا اینکه خواننده به راحتی به منبع مورد نظر دست یابد. همینطور کتاب فاقد فهرست اعلام، آیات، احادیث، اشعار و واژگان تخصصی می باشد. نکته مهم دیگر در بحث ارجاع دهی آن است که نویسنده هنگامی که از آیات و احادیث استفاده می کند به هیچ منبعی ارجاع نمی دهد و یا حتی به شکل غیر معمول در متن به منبع حدیث و آیه اشاره نمی کند، مثال: (صص ۱۱۲، ۱۰۷). در باب اشعار نیز در بیشتر موارد به همین شکل عمل می کند و فقط قبل از ابیات می نویسد که فلان شاعر اینچنین می گوید، مثال: (صص ۲۹، ۲۸، ۵۸، ۱۱۲، ۳۳، ۳۱). در ارجاع دهی پاورقی اصل بر این است که اثر برای اولین به شکل کامل ذکر شود و در دفعات بعد نام نویسنده، نام کتاب - اگر چند کتاب از او در متن استفاده شده باشد - و شماره صفحه نوشته شود. اما در برخی از ارجاعات این اصل رعایت نشده و با شکل های مختلف ارجاع داده شده است. مثال ارجاع برای بار اول به اثر: «انظر المسعودی: مروج الذهب ج ۲ ص ۱۹۴» (ص ۱۵) و «تاریخ الأمم الإسلامیه، ص ۲۶» (ص ۳۴). بنابراین همانطور که می بینیم این دو اثر که برای اولین بار به آنها ارجاع داده شده، به صورت کامل نیامده اند. مثال برای ارجاع مکرر اما به شکل متفاوت: «الخضری: نفسه، ص ۲۲» (ص ۲۵) و «انظر ضحی الإسلام ۳/۲۴۸» (ص ۶۰) و «ضحی الإسلام ۳/۳۱۴» (ص ۶۸). این دو اثر هر دو در متن تکرار شده اند، اما به هنگام ارجاع یکی با نام مؤلف و دیگری با نام کتاب آغاز شده است.

#### ۵. ارزیابی محتوایی

##### ۵-۱. روزآمدی

نظریه ها و مکاتب نقدی جدید باعث می شوند که نگاه خواننده نسبت به ادبیات و فهم آن تغییر یابد و خوانش جدیدی از ادبیات و مسائل مربوط به آن به دست بیاورد. بنابراین به روز رسانی کتاب های دانشگاهی امری بسیار ضروری به نظر می رسد. نکته مهم دیگر در این باره آن است که بخشی از خوانش ادبیات بر پایه ذوق است و این ویژگی انسان در طول زمان دگرگون می شود. بنابراین «کتاب درسی باید تازه ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد و مطالب آن هر چند یکبار مورد تجدید نظر قرار گیرد و به روز شود» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۲).



کتاب «فی الادب العباسی الرؤیة و الفن» در سال ۱۹۷۵م یعنی ۴۰ سال پیش نوشته شده است. هر چند بر روی جلد کتاب شماره چاپ اول و چاپ حاضر آن نوشته نشده، اما از زمان چاپ نخست تاکنون مورد بازبینی قرار نگرفته است. از موارد بسیار مهم در نگارش کتاب دانشگاهی توجه به «ویژگی های جامعه شناختی و روان شناختی کتاب درسی است. منظور از این هدف، مستدل بودن، جذاب بودن و به روز بودن مطالب، مد نظر قرار دادن مفاهیم اصلی دانش مورد نظر، انطباق مطالب با ویژگی های فرهنگی و نیازهای حال و آینده جامعه است» (یارمحمدیان، ۱۳۸۸: ۴۷). بنابراین کهنگی کتاب حاضر از لحاظ روزآمدی عیبی آشکار به شمار می رود.

#### ۲-۵. جامعیت

«کتاب درسی در زمینه موضوع مورد نظر خود باید جامع باشد. جامع بودن مطالب کتاب درسی بدین معنا نیست که دارای جایگاهی برای گردآوری هر مطلبی است» (رضی، همان: ۲۳). البته همانطور که گفته شد کتاب درسی نمی تواند همانند دائرة المعارف تمامی اطلاعات را در خود جای دهد. بلکه متناسب با اهداف کتاب که معمولاً نویسنده در مقدمه و یا در آغاز هر فصل به آن اشاره می کند، می بایست تمامی سرفصل های مربوط به موضوع خود را داشته باشد.

عنوان کتاب، «فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن» است. واژه «الادب» تمامی فنون ادبیات از شعر تا نثر را شامل می شود و واژه «العباسی» طول دوره حکومت عباسیان از سقوط امویان در سال ۱۳۲ه.ق تا سقوط بغداد در سال ۶۵۶ه.ق را در بر دارد. هر چند عناوین برخی از کتاب های تاریخ ادبیات همچون تالیفات شوقی ضیف و عمر فروخ به این شیوه می باشد، اما ایشان بعد از این عنوان به وسیله واژگانی دیگر همچون «الأول» یا «الثانی» گستره آن را محدود کرده اند. اما عز الدین اسماعیل بعد از عنوان فقط دو واژه «الرؤیة» و «الفن» را آورده است که این دو واژه فقط نگرش و روش کاری او را مشخص می کنند و گستره زمانی و یا حوزه ادبیات را محدود نمی کنند. نویسنده در مقدمه کتاب اصرار بر آن دارد که تاریخ عباسیان ماهیت واحدی دارد که از ابتدا تا انتها ادامه داشته است و «تصور صحیح از دوره عباسی تصور یکپارچه و نه جداگانه است و ما بر اساس همین تصور، کتاب حاضر را نوشتیم» (اسماعیل، ۱۹۷۵: ۸). و در ادامه بیان می کند: «عصر عباسی عصر بسیار پیچیده ای است که از درگیری ها و نزاع های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تشکیل شده است و همه ی اینها را باید در ارتباط با یکدیگر بررسی کنیم... و فهم ادبیات

به عنوان منعکس کننده این تغییرات، جز در سایه آنها امکانپذیر نیست» (همان). درباره واژه ادبیات باید گفت که نویسنده آن را به صورت عام آورده است، بنابراین خواننده انتظار دارد در این اثر شعر و نثر دوره عباسی با هم مورد بررسی قرار بگیرد، اما کتاب در هیچ کدام از فصل های خود به بررسی نثر دوره عباسی و تحلیل نمونه هایی از آن نمی پردازد. و باب دوم کتاب که به بررسی ادبیات به تاثیر از تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مربوط است، به صورت کامل به شعر اختصاص یافته است و این امر از عناوین فصلهای باب دوم به خوبی مشخص است.

با قبول اینکه دوره طولانی حکومت عباسی را نمی توان در یک جلد کتاب دانشگاهی مورد بررسی قرار داد، اما کتاب مورد بحث به بسیاری از جریان های مهم و تاثیر گذار در دوره عباسی پرداخته است. از مهمترین آنها که نقش مهمی در زندگی اجتماعی مردم، احساس، ذوق و به تبع آن در ادبیات داشته اند، عبارتند از: شورش های مهم مخالفان عباسیان همانند «ثورة الزنج» و «ثورة القرامطة»، استیلاء ترک ها بر مقالید حکومت، رواج مجون و فسق در بین مردم و تاثیر آن بر شعر، ترجمه آثار فلسفی و حکمی و رشد حیات عقلی.

### ۳-۵. ارتباط محتوایی با سایر دروس

کتاب دانشگاهی به همراه کتاب های دیگر که در یک مجموعه قرار می گیرند، نقش هم افزایی در جهت رشد فکری دانشجویان دارند و خواننده با کمک این مجموعه به درک درستی از موضوع دست می یابد. «یکی از شاخص های اثربخش بودن برنامه درسی و به تبع آن کتاب های درسی و سایر مواد آموزشی میزان و نوع ارتباط آنها با یکدیگر است. هر قدر مواد درسی بیشتر به یکدیگر مربوط باشند، امکان برقراری ارتباط بین آنها بیشتر است» (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۵). برخی از دروس در سلسله طولی با دروس دیگر پیوستگی دارند، و بعضی از دروس ارتباط هم زمانی با هم دارند، یعنی هم زمان در یک دوره درسی ارائه می شوند. محتوی کتاب های درسی باید آنگونه باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته را برای دانشجو فراهم کند. (رک: متین، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۵). این ارتباط می تواند از طریق پیوند مطالب به دانسته های قبلی، طراحی پرسش و پژوهش هایی که نیاز به مراجع به منابع طولی یا هم زمانی باشد.

عز الدین اسماعیل در ابتدای فصول هفتگانه باب اول کتاب، آنگاه که می خواهد یکی از مسائل مهم اجتماعی را مطرح کند، از دوره صدر اسلام و امویه دورخیز بر می دارد و

اینچنین ذهن خواننده را با کتاب های مرتبط با کتاب حاضر پیوند می دهد. برای نمونه در باره درگیری بین عرب و روم چنین می گوید: «پیدایش نزاع بین عرب و روم در دوره عباسی نبوده است، بلکه تاریخ این نزاع قدیمی را می توان ظهور اسلام دانست. زیرا که شعار اسلام جهاد در راه خدا بوده و عرب های مسلمان برای نشر دین اسلام به سمت سرزمین های مجاور خود روانه شدند...» (اسماعیل، ۱۹۷۵: ۱۳۰).

نویسنده در مقدمه کتاب به هیچ اثری به عنوان پیشینه پژوهش در سطح طولی و یا در سطح هم زمانی اشاره نمی کند. در متن کتاب نیز خواننده با هیچ پرسشی روبه رو نمی شود، که دستیابی به پاسخ آنها نیاز به مراجعه به سایر کتاب های مرتبط داشته باشد.

با اینکه در زمان تالیف کتاب حاضر، کتاب های دیگری در تاریخ ادبیات عربی همچون کتاب «تاریخ الادب العربی» نوشته کارل برکلمان سال ۱۹۶۱م، کتاب «تاریخ آداب اللغة العربیة» نوشته جرجی زیدان سال ۱۹۵۷م، کتاب «تاریخ الادب العربی» نوشته شوقی ضیف سال ۱۹۶۶م و کتاب های دیگری نوشته شده و این کتاب ها در اختیار عز الدین اسماعیل بودند، اما پیوندی بین کتاب حاضر و این مجموعه از کتاب های همسطح وجود ندارد. عز الدین اسماعیل از میان این دسته از کتاب ها، به صورت مکرر به کتاب «ضحی الاسلام» احمد امین ارجاع می دهد. اما در تمام متن کتاب دو بار (ص ۱۰۱) و (ص ۲۰۶) به شوقی ضیف، یک بار (ص ۱۲۱) به «اتجاهات الشعر العربی فی القرن الثانی» نوشته محمد مصطفی هداره و یک بار (ص ۳۶۲) به «تاریخ الادب العربی» رینوالد نیکلسون ارجاع می دهد. بدیهی است که این حجم از ارجاع بسیار کم و ناچیز می باشد و برای این کتاب به عنوان سرفصل دانشگاهی عیب به شمار می رود.

#### ۴-۵. ظرفیت مطالب کتاب در ایجاد ارتباط با موضوعات میان رشته ای

در گذشته هر یک از شاخه های دانش بشری بدون در نظر گرفتن پیوند آنها با سایر دانش ها مورد بررسی و تحلیل قرار می گرفت، اما «امروزه مباحث میان رشته ای و فرا رشته ای جایگاه ویژه ای در تحقیقات علمی دارند. این دیدگاه، محصول تعامل بین دو یا چند رشته علمی برای پژوهش درباره مساله ای است و نتیجه آن وحدت بخشی به دانش های متفاوت در عصر کنونی است» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۳). در حقیقت با نظریات جدیدی که در حوزه علم مطرح شده است، نمی توان هیچ دانش را محدود و منحصر به مرزهای خود در نظر گرفت و «سیر پیشرفت علوم به ما می آموزد که علم به گونه ای اجتناب ناپذیر بین

رشته ای است و علوم علی رغم محدود بودن در چارچوب رشته علمی بخشی از روایت های دانش های دیگرند» (رها دوست، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

ادبیات به عنوان یکی از شاخه های علوم انسانی در پیوندی ناگسستنی با رشته هایی چون تاریخ، علوم اجتماعی و سیاسی، روانشناسی و اقتصاد می باشد. بنابراین تحلیل گر تاریخ ادبیات ضرورت دارد در اثر خود بین ادبیات و این دسته از علوم پیوند برقرار کند. عزالدین اسماعیل در متن کتاب بنا به ضرورت به مسائل تاریخی و سیاسی می پردازد. اما این پردازش با نوعی نگاه سنتی با علوم همراه است، نه اینکه در تحلیل تاریخ ادبیات از نظریات جدید جامعه شناسی، علوم سیاسی و روان شناسی استفاده کند. و بنابراین از آنجایی که کتاب حاضر در تحلیل های خود از نظریات جدید سایر رشته های علوم انسانی استفاده نکرده است، انگیزه و دغدغه لازم جهت مطالعه این علوم در خواننده کتاب حاضر ایجاد نمی شود.

#### ۵-۵. طرح سؤال های جدید و افق های تازه

رسالت کتاب درسی دانشگاهی با توجه به مخاطب ویژه اش فقط انتقال اطلاعات نمی باشد. بلکه «باید مطالب آن بتواند سوال های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق های تازه ای پیش روی آنها بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوشگری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می یابد» (رضی، همان: ۲۳). بنابراین آموختن روش اندیشیدن و نه اندیشه ها رسالت یک کتاب دانشگاهی موفق است. در حقیقت رسالت کتاب دانشگاهی با خواندن متن به پایان نمی رسد، بلکه با ایجاد چالش هایی در آموخته های قبلی دانشجو، فرایند یادگیری را تا مدت ها ادامه می دهد. بنابراین ضروری است که «کتاب های درسی باید طوری طراحی شوند که با طرح مسائل و سؤالها و فعالیتهای یادگیری، فرصتهای یادگیری بیشتر برای دانشجویان فراهم نماید» (ملکی، ۱۳۷۶: ۱۵۳).

عزالدین اسماعیل می بایست در مقدمه به طرح پرسش هایی در انگیزه نگارش کتاب بپردازد. اما خالی بودن مقدمه از طرح سؤال باعث سردرگمی دانشجو می شود. علاوه بر این کتاب دانشگاهی در آغاز فصل ها، سؤالاتی را مطرح می کند که از دانشجو انتظار می رود در پایان فصل بتواند به آنها پاسخ دهد، اما در آغاز فصل های این کتاب سؤالی مطرح نشده است. البته در متن کتاب گاهی پرسش هایی مطرح می شود که نویسنده در پی جلب موافقت و همراهی خواننده با خود است، اما از نوع پرسش های چالشی، انتقادی و راهبر

نیستند. مثال (ص ۹۶) و (ص ۱۱۶). بنابراین نویسنده نتوانسته است با طرح پرسش های مناسب، افق جدیدی را فرا روی خوانندگان باز کند، بلکه در پی آن است تا به عنوان متکلم وحده اطلاعاتی را به مخاطب انتقال دهد.

### ۶. نتیجه گیری

شاخصه هایی همچون طرح جلد، طراحی صفحه و حروف نگاری در کتاب «فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن» به خوبی مورد توجه قرار نگرفته اند و از این نظر کتاب استانداردهای دانشگاهی را ندارد.

حجم باب ها متناسب با میزان اهمیت آنها نمی باشد. باب اول به عنوان مقدمه هفت باب و حجم بیشتری از صفحات را دارد، اما باب دوم به عنوان متن اصلی سه فصل و حجم کمتری از صفحات را شامل می شود. البته تناسب در متن هر فصل و نه در کلیت کتاب، رعایت شده است. و همینطور کتاب خالی از هر گونه جمع بندی، تصاویر و جدول می باشد.

زبان اثر، زبانی علمی، شیوا و به دور از ابهام و پیچیدگی می باشد و خواننده به راحتی معنی را در می یابد. از علائم سجاوندی به خوبی استفاده شده، اما گاهی تعداد زیاد جملات معترضه درک معنی را مشکل می سازد.

با توجه به نگارش کتاب در سال ۱۹۷۵م و دستاوردهای جدید در این حوزه، کتاب حاضر اثری نو و جدید شناخته نمی شود. عنوان کتاب نظم و نثر تمام دوره عباسی را در بر می گیرد، اما متن کتاب این جامعیت را ندارد. از طرفی کتاب نتوانسته است با سایر سرفصل ها و کتاب های هم سطح خود ارتباط داشته باشد. اگر چه از منابع کهن به خوبی استفاده کرده است.

نویسنده می بایست در کنار انتقال حجمی از اطلاعات و دانسته های خود به مخاطب، پرسش های جدیدی را در ذهن او ایجاد کند و اینچنین او را وادار به خواندن منابع جدید و مرتبط با موضوع کند. عز الدین اسماعیل در این زمینه ناموفق بوده است.

با توجه به نتایج گفته شده، کتاب مورد بحث می تواند به عنوان یک منبع کمک آموزشی برای درس تاریخ ادبیات عربی و نه سرفصل اصلی، در دوره کارشناسی ارشد ارائه شود.

## منابع

- اسماعیل، عزالدین (۱۹۷۵م). فی الادب العباسی، الرؤیة و الفن، بیروت: دار النهضة العربیة.
- اکبری تبار، علی اکبر (۱۳۹۱ه.ش). «مطالعه ای در باب فرایند طراحی جلد کتاب، به همراه نتایج نظرسنجی در مورد طرح جلد کتاب های انتشارات سوره مهر»، فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر، شماره ی پنجم، بهار ۱۳۹۱ ه.ش.
- انوری، حسن و علی محمد پشت دار (۱۳۷۷). آیین نگارش و ویرایش (۲)، تهران: دانشگاه پیام نور.
- جمالی زواره، بتول و دیگران (۱۳۸۸). «بررسی معیارهای روانشناختی تالیف و تدوین کتاب های درسی دانشگاهی»، مجله عیار، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۸، صص ۳۵-۱۹.
- رضی، احمد (۱۳۸۸ه.ش). «شاخص های ارزیابی و نقد کتاب های درسی دانشگاهی»، مجله سخن سمت، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۳۰-۲۱.
- رهادوست، بهار (۱۳۸۲ه.ش). «رویکرد بین رشته ای و مطالعات ادبی»، زیبا شناخت، شماره ۹.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸). نگارش و ویرایش، چاپ اول، تهران: سمت.
- قرآن کریم
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲). «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی های آن»، سخن سمت، شماره ۱۰، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- متین، پیمان (۱۳۸۲ه.ش). «کتاب درسی معیار در انگلستان و ویژگی های آن»، سخن سمت، شماره ۱۳، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- ملکی، حسن (۱۳۸۴ه.ش). «شیوه طراحی و تالیف کتب درسی»، سخن سمت، شماره ۱۵، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- ملکی، حسن (۱۳۸۵ه.ش). «مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی»، سخن سمت، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۵ه.ش، صص ۲۰-۹.
- ملکی، حسن (۱۳۷۶). برنامه ریزی درسی: راهنمای عمل، تهران: انتشارات پیام اندیشه.
- یارمحمدیان، حسین و دیگران (۱۳۸۸ه.ش). «ارزیابی کتاب های درسی دانشگاهی علوم انسانی بر اساس شاخصهای مطلوب کتابهای درسی دانشگاهی»، مجله عیار، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۸، صص ۵۸-۳۶.